

## بازنگری در مجازات سالب حیات در مواد مخدر و امکان جایگزینی آن در نظام حقوقی ایران

حامد حسامی قهرمانلو

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

رضا ولدیانلو

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

فرید حسامی قهرمانلو

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

### چکیده

جنبه سزادهی مجازات یکی از اهداف عام کیفر در نظامهای حقوقی جهان به شمار می‌رود. از آنجایی که دایرمدار بودن جرم انگاری بر جرائم مربوط به مواد مخدر ارزشهای مقبول جامعه انسانی را به مخاطره می‌اندازد. پاسخ کیفری سرکوب‌گر و خشن به نام سالب حیات به عنوان واکنش سنجیده در تناسب جرم و مجازات مدنظر کیفرگذار، کیفرگزینی توسط قضات است. در این میان، مجازات سالب حیات، محور تحقیق حاضر است. نقش بازدارندگی مجازات سالب حیات در خصوص جرائم مواد مخدر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نظام حقوقی ایران (به عنوان یک نظام مبتنی بر شرع) ماهیت فقهی این مجازات در مورد جرائم یاد شده نیز محل بحث است. در این تحقیق با استفاده از روشهای مطالعاتی توصیفی- تحلیلی و تحلیل آراء کیفری تلاش بر این است که جنبه بازدارندگی و ارعایی این مجازات (سالب حیات) به چالش کشیده و جایگزینی مناسب با آن با گونه برداری از حقوق دیگر کشورها یافت. یافته‌های مورد نظر جایگزین مناسب حبس ابد یا حبس تعزیری درجه یک با بهره گیری از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است که مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** مواد مخدر، مجازات سالب حیات، بازدارندگی، ارعایی، حبس ابد، حبس تعزیری درجه یک

## مقدمه

پدیده‌های اجتماعی که امور واقعی هستند، به خودی خود ناهنجار نیستند، بلکه پاره‌ای از آنها به مرور زمان و بروز آثار زیان‌بار، به ویژه در مورد تعرض به حیات، حقوق بشر و ارزش‌های اجتماعی، ناهنجار یا جرم تلقی می‌شوند. جان استوارت میل معتقد است «تنها هدفی که اعمال صحیح قدرت را علیه آزادی اعضای یک جامعه متمدن توجیه می‌کند، جلوگیری از ایراد ضرر به دیگری است. خیر و صلاح شخصی، خواه مادی یا معنوی، توجیه کافی نیست». بنابراین حقوق جزا باید آخرین راه حلی باشد که به عنوان یک ابزار بتوان از آن استفاده کرد. نخستین معیار برای جرم‌انگاری نیز «صدمه» است، خواه به صورت بالفعل باشد، خواه به صورت بالقوه و تهدیدکننده (عبدالفتاح، 1381، ص 157).

امروزه پدیده مواد مخدر خطر عظیم و مهلکی برای حیات بشری و ارزش‌ها و کرامت انسانی است و دولت‌ها نیز با ملاحظه اینکه افرادی از راه تجارت مواد مخدر به ثروت‌های نامشروع و کلانی دست می‌یابند که موجب آشفته‌گی نظم اقتصادی و ایجاد شکاف عمیق در طبقات جامعه می‌گردد. افزون بر این، جامعه جهانی نیز پدیده مواد مخدر را یک پدیده ناهنجار بین‌المللی می‌داند که عده‌ای با کسب درآمد نامشروع ناشی از معاملات قاچاق مواد مخدر در سطح بین‌المللی، و انتقال آن به کشورهای مختلف و تطهیر آن و سرمایه‌گذاری در قسمت‌های مختلف تجاری بدون پرداخت مالیات به زندگی آرام و مرفه خود ادامه می‌دهند (کوشا، 1389، ص 124).

اکنون بیش از یک قرن از مبارزه با قاچاق و سوء مصرف مواد مخدر، در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌گذرد. در این میان کشور ایران که بر اثر موقعیت جغرافیایی درگیر قاچاق و ترانزیت مواد مخدر از کشورهای همسایه شرقی، به ویژه افغانستان به مسیر بالکان بوده و هست، اکنون گرفتار قاچاق مواد مخدر صنعتی به داخل کشور هم شده که آشنایی ناکافی با انواعی از این مواد، کشف آنها را با اشکال بیشتری روبرو کرده است (اسعدی، 1388، ص 15).

بحث مجازات و تاثیر آن بر فعالیت قاچاقچیان یکی از موارد بحث اصلی در ستاد مبارزه با مواد مخدر است و کمیته حقوقی مامور شده است تا این مجازات‌ها را بررسی کند.

موافقان معتقدند مجازات اعدام ناشی از جرائم مواد مخدر تاثیر زیادی در پیشگیری از مواد مخدر نداشته و باید احکامی که بازدهی مناسب برای کاهش جرائم دارند، جایگزین شوند (پوررضا و اسماعیلی، 1395، ص 3).

در سیاست مبارزه با مواد مخدر، شدت مجازات‌ها و قطعیت احکام کمال مطلوب به شمار نمی‌آیند و راهکار مناسبی نیستند. شدت مجازات‌ها، در مبارزه با بزهکاری و ریشه کن نمودن آن نتایج عملی مفیدی به بار نمی‌آورد. قطعیت آرای صادره نیز دردی را درمان نمی‌کند. قابل اعتراض نبودن آراء، ضایع کننده حقوق دفاعی شهروندان است و تضمین جبران اشتباهات قضایی را از بین می‌برد.

## مفهوم سالب حیات و مصادیق آن

سالب به معنای تاراج کننده، رباینده و غارت گر (ناظم الاطباء)، زیان رساننده است. سلب ربودن و از بین بردن و انتزاع نمودن است (دهخدا، 1386، ص 555) و حیات هم همانطور که گفته شد به معنای عمر و زندگی و زیست است که منضاد آن ممات است (دهخدا، 1386، ص 843).

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی جدید در چند مورد از اصطلاح «سلب حیات» استفاده کرده ولی به طور دقیق مشخص نکرده است که منظور از آن چیست؟ و آیا سلب حیات علاوه بر حدودی که مجازاتش اعدام است شامل قصاص نیز می‌شود یا خیر؟

برای مثال در بند الف ماده 122 قانون مجازات اسلامی آمده است که مجازات شروع به جرم در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است، حبس تعزیری درجه چهار خواهد بود، یا در بند الف ماده 127 قانون یادشده مجازات معاونت در جرایمی را که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه می‌داند. سلب حیات یکی از اقسام مجازات‌های بدنی است که شامل اعدام، قصاص، رجم و صلب می‌شود. در مقررات کیفری کشور ما، مجازات‌های سالب حیات به طور معمول به دو شیوه اجرا می‌شود: به دار آویختن و سنگسار. قابل توجه است که شیوه‌های دیگری در اجرای مجازات سالب حیات در کتب فقهی وجود دارد که انتخاب آنها با قاضی است. برای مثال در کتاب شرایع الاسلام محقق حلی در بیان شیوه‌های اجرای حد لواط آمده است: «الإمام مخیر فی قتله، بین ضربه بالسيف، أو تحريقه، أو رجمه، أو إلقائه من شاهق، أو إلقاء جدار عليه؛ و يجوز أن يجمع، بين أحد هذه و بين تحريقه» یعنی امام در کشتن میان زدن با شمشیر، یا سوزاندن، یا سنگسار، یا انداختن از بلندی، یا انداختن دیوار بر او یا جمع یکی از اینها با سوزاندن مخیر است (محقق حلی، 1416ق، ص 182). البته قانونگذار در ماده 110 قانون مجازات اسلامی سابق بیان کرده بود: «حد لواط در صورت دخول قتل است و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است.» اما در ماده 234 قانون مجازات اسلامی جدید بیان کرده است: «حد لواط برای فاعل، در صورت علف، اکراه یا دارابودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است.» بنابراین اکنون فقط باید حکم به اعدام را اجرا کرد و آنچه که در کتب فقهی آمده جزو سوابق تاریخی است و در عصر حاضر به دلیل مصالح عالیه اسلام قابلیت اجرا ندارد. به هر حال شایسته بود که قانونگذار منظور خود را از اصطلاح سلب حیات مشخص می‌کرد، با این حال به نظر می‌رسد که سلب حیات مذکور در بند الف مواد 122 و 127 قانون مجازات اسلامی علاوه بر حدودی که مجازاتش اعدام است، شامل قصاص نیز می‌شود، به این دلیل که قانونگذار در مقام بیان حکم بوده و شایسته است که به طور واضح مقصود خویش را از به کار بردن الفاظ و کلماتی که مطلق و دارای چندین مصداق است، بیان کند.

در اینجا نیز اصطلاح سلب حیات اطلاق دارد و دارای بیش از یک مصداق است؛ در جایی که شک داشته باشیم که کلام مطلقی که صادر شده است، قابلیت تقیید به قیدی را دارد یا نه، به اصل اطلاق (اصالةالطلاق) تمسک می‌جوییم و می‌گوییم قانونگذار در مقام بیان حکم بوده است و اگر قید و مصداقی خاص را در نظر داشته، باید بیان می‌کرده است و عقلاً در این گونه استعمال‌ها بنا را بر این می‌گذارند که قانونگذار با علم و آگاهی و اینکه در مقام بیان بوده لفظ را این گونه به کار برده است. در تایید این مطلب می‌توان به بند الف ماده 302 قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که می‌گوید در صورتی که مجنی علیه مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات شده باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی‌شود.

در اینجا قانونگذار به صراحت بیان کرده است: جرم حدی که مستوجب سلب حیات است، بنابراین اگر می‌خواست در بند الف مواد 122 و 127 قانون یادشده نیز می‌توانست چنین قیدی را بیاورد و مقصود خویش را به صراحت بیان کند، در حالی که آنجا، با توجه به اینکه مبحث شروع به جرم و معاونت در بحث کلیات حقوق جزاست و برای تمامی جرایم وضع شده است، اطلاق کلام را اراده کرده است که شامل تمام مصادیق بشود.

در بند الف ماده 122 قانون مجازات اسلامی آمده است که مجازات شروع به جرم در مورد جرایم مستوجب سلب حیات، حبس تعزیری درجه چهار خواهد بود که این مدت 5 تا 10 سال است و همان طور که بیان شد جرایم مستوجب سلب حیات در این ماده علاوه بر حدود مستوجب اعدام، شامل قصاص نیز می‌شود.

از طرف دیگر مجازات شروع به جرم در قتل عمد بر اساس ماده 613 قانون تعزیرات حبس 6 ماه تا 3 سال است. در اینجا با یک حکم عام مؤخر (بند الف ماده 122) و یک حکم خاص مقدم (ماده 613) مواجه هستیم و این سوال مطرح می‌شود که آیا حکم مذکور در ماده 613 به طور ضمنی نسخ شده است یا نه؟ در جواب باید گفت که طبق دیدگاه مشهور اصولیین حکم عام مؤخر نمی‌تواند نسخ حکم خاص مقدم باشد؛ زیرا خاص، به دلیل اینکه اخص است عرفاً عام را تخصیص می‌زند، هرچند که

برخی از فقها (شیخ طوسی) در این فرض عام لاحق را ناسخ خاص سابق می‌دانند و در نهایت اینکه در صورت وجود احتمال نسخ، اصله عدم النسخ حاکم است.

همین مطلب در بحث معاونت در قتل عمد در خصوص بند الف ماده 127 و تبصره مواد 208 و 612 قانون تعزیرات نیز مجری است.

## 1- مفهوم اعدام

اعدام، واژه‌ای عربی است به معنی نابود کردن و از بین بردن (نیست گردانیدن {منتهی الارب} {ناظم الاطباء}، کشتن {فرهنگ فارسی معین}. نیست گردانیدن {تاج -المصادر بیهقی} {المصادر زوزنی}: اعدامه الله اعداماً: نیست گردانید او را خدای {منتهی الارب} {ناظم الاطباء}، نایاب گردانیدن چیزی را {المصادر زوزنی} (دهخدا، 1387، ص 2934)، سلب حیات شخص توسط دولت (مصاحب، 1380، ص 169). عبارت است از قتل عمدی دولت‌ها و یا سران و رهبران مذهبی و آئینی علیه شهروندان تحت عناوین گوناگون. در طول تاریخ همواره دولت‌ها و یا افراد و گروه‌های غالب و یا دارای قدرت، برای ترساندن مخالفین و یا افرادی که اعمالی خلاف قانون وقت را انجام داده‌اند از آن سود جسته‌اند. اعدام می‌تواند حکمی باشد که از سوی دستگاه قضایی کشورها صادر شده است و یا اینکه مستقیماً توسط نیروهای مسلح و نظامی کشورها صادر و به اجرا در آید. و در اصطلاح فلسفه و کلام، مراد از آن امکان نابود شدن جهان، یعنی ماسوی الله به صورت نیست شدن محض یا پراکنده شدن اجزای موجودات و نیز چگونگی روی دادن آن است (محبی، 1383، ص 269).

در گذشته اعدام یکی از مجازات‌های حقوق اصلی جزا بوده و در بسیاری از موارد همراه با سایر مجازات‌های تهریبی و ترذیلی اجرا می‌گشت. حتی در سال 1800 در کشورهایی مثل انگلستان، مجازات بیش از 200 جرم، اعدام پیش بینی شده بود. با این حال، به دنبال مخالفت افراد و گروه‌های مختلف با مجازات اعدام، این تعداد در سال 1837 به پانزده و در سال 1863 به سه فقره کاهش یافت و در حال حاضر هم این مجازات در کشور انگلستان لغو شده است. در فرانسه نیز قبل از اینکه انقلاب کبیر فرانسه رخ دهد، مجازات 115 نوع جرم اعدام تعیین شده بود، این تعداد بعد از انقلاب کبیر فرانسه به 32 مورد کاهش یافت (مهرپور، 1389، ص 23).

با اینکه بحث راجع به نحوه مجازات اعدام از سال 1651 توسط جرج فاکس در انگلستان و نیز با تشکیل «انجمن دوستان مخالف مجازات اعدام» در آمریکا شروع شد، فعالیت موثر در این زمینه از زمان بکاریا و بالاخص در قرن اخیر آغاز شده است. جرج فاکس در رساله‌ای که در سال 1659 تحت عنوان «خطاب به پارلمان و کشورهای مشترک المنافع انگلستان» منتشر ساخت، اصلاحات مورد نظر خود را طی 59 ماده که یکی از آنها لغو مجازات اعدام جز در مورد قتل بود پیشنهاد کرد. این پیشنهاد که در آن زمان بسیار جسورانه بود مورد قبول واقع نگشت.

لغو اعدام در پایان قرن هجدهم به موجب قانون مشهور لئوپولد دوم که در سال 1786 در تسکان وضع شد برای اولین بار به قوانین جزایی راه یافت. سپس در سال 1787 این اندیشه به موجب قانون جزای ژوزف دوم به قانون اتریش نیز راه پیدا کرد، لیکن مخالفت افکار عمومی با این اصلاحات چند سال بعد به استقرار مجدد مجازات اعدام منجر گشت (خلیلی، 1389، ص 121).

در قرن بیستم گروه‌ها و انجمن‌های متعددی در کشورهای مختلف تاسیس گشتند که همگی در راستای مخالفت با مجازات اعدام فعالیت داشتند. اهم این انجمن‌ها عبارتند از: در آمریکا: «جامعه آمریکایی لغو مجازات اعدام»، که از سال 1925 تشکیل شده است.

در انگلستان: «شورای ملی لغو مجازات اعدام»، که در سال 1925 تشکیل شده و از سال 1955 تحت عنوان «فعالیت ملی برای لغو مجازات اعدام» فعالیت داشته است.

در ایرلند از سال 1961، «انجمن اصلاح قوانین راجع به مجازات اعدام» آغاز به کار کرده است. البته در مقابل این انجمن جمعیتی نیز در دفاع از مجازات اعدام تشکیل شده است که چنین رویارویی و رقابت تشکیلاتی و منسجمی در سایر کشورها کم سابقه می‌باشد.

در فرانسه نیز «جمعیت فرانسوی مخالف مجازات اعدام» در حمایت از لغو کامل این مجازات فعالیت داشته است (شمس ناتری، 1388، ص 321).

## 2- مفهوم قصاص

تحقیق و بررسی پیرامون هر مساله ای، نیازمند آشنایی با مفاهیم و اصطلاحات مربوط به آن است. لذا در ابتدا، لازم است با مفهوم لغوی و اصطلاحی موضوع اصلی بحث (قصاص) آشنا شویم.

هو ان یفعل بالفاعل ما فعل، قصاص به این معناست که با فاعل همان کاری را که انجام داده است، انجام دهند (جرجانی، 1986، ج 1، ص 56).

بنابراین، قصاص در لغت از "قص اثر" گرفته شده است و به معنای دنبال کردن اثر است. به عبارتی فرد جانی مورد تعقیب قرار می‌گیرد و مانند آنچه انجام داده است (قتل یا ایجاد زخم و جراحت) در مورد او انجام می‌شود (دهخدا، 1387، ص 482).

قصاص بر وزن فعال است و منظور از قصاص در اینجا، مجازات جنایت جانی از قبیل قتل، قطع، ضرب و جرح است. بدین ترتیب که جانی مورد تعقیب قرار می‌گیرد و مثل کاری را که کرده است، در باره اش اجرا می‌کنند (جعفری لنگرودی، 1390، ص 612).

القصاص: ان یوقع علی الجانی مثل ما جنی، النفس بالنفس، در فرد جانی، همانند آنچه را که جنایت کرده است، واقع سازند: نفس در مقابل نفس.

و القصاص القتل بازاء القتل و اتلاف الطرف بازاء اتلاف الطرف و قد اقتص ولی المقتول من القاتل، و قصاص یعنی قتل در مقابل قتل و از بین بردن عضو در مقابل از بین بردن عضو و ولی مقتول که از قاتل قصاص می‌کند (شمس ناتری، 1388، ص 143).

علامه طباطبایی نیز در ذیل تفسیر آیه 178 سوره بقره، می‌فرماید: "کلمه "قصاص" مصدر از "قاص یقاص" است و این کلمه از "قص اثره" (جا پای او را تعقیب کرد) می‌باشد، "قصاص" (داستان سرا) را هم به همین مناسبت قصاص می‌گویند که آثار و حکایات گذشتگان را حکایت می‌کند، کانه اثر گذشتگان را دنبال می‌کند. پس اگر قصاص را قصاص نامیده اند، برای این است که جانی را در جنایتش تعقیب می‌کنند و عین آن جنایت را که او وارد کرده است، بر او وارد می‌کنند (طباطبایی، 1388، ص 43).

در فقه مالکی، حنبلی و حنفی، تعریفی از قصاص ارائه نشده است. اما در فقه شافعی، تعریفی شبیه فقهای امامیه از قصاص آمده است. فقهای شافعی، انواع آزار و اذیت‌های جسمانی اعم از قتل و غیر آن را تعریف قصاص، داخل می‌دانند (هاشمی شاهرودی، 1388، ص 129).

حق حیات گرانبهاترین حقی است که خداوند به انسانها عطا فرموده است. ارزش این حق تا جایی است که هیچ فردی مجاز به گرفتن حق حیات دیگری نمی‌باشد و اگر چنین شود سنگین ترین مجازات‌ها برای آن در نظر گرفته شده است، سلب حق حیات انسان توسط انسانی دیگر هیچ توجیه عقلی اخلاقی و قانونی ندارد و در تمام تاریخ جرم قتل به عنوان قبیح ترین و خطرناک ترین جرم ممکن شناخته شده و همواره شدیدترین برخوردها و مجازات‌ها برای این جرم در نظر گرفته شده است برخورد جوامع با جرم قتل روندی تکاملی داشته و امروزه به صورت قانونمند در قوانین جزایی کشورها جرم انگاری شده است. به همین جهت کیفر قتل عمدی با وجود مخالفت بعضی از علمای حقوق و فلاسفه در قوانین بسیاری از کشورها اعدام می‌باشد.

مجازات جنایت جانی از قبیل قتل، قطع، ضرب و جرح. به این صورت که جانی مورد تعقیب قرار می‌گیرد و مثل کاری را که کرده است، در باره اش اجرا می‌کنند. این تعریف، هم با معنای لغوی سنخیت دارد و هم متناسب با احکام و آثاری است که بر آن مترتب می‌باشد.

### 3- مفهوم صلب

صلب یعنی به دار آویختن که یکی از مجازاتهای محارب و مفسد فی الارض است.

### 4- مفهوم رجم

رجم در لغت به معنای کشتن است و اصل آن کشتن به صورت سنگسار است. در مفهوم اصطلاحی نیز رجم به این معنی است که اگر مرد یا زن همسر دار (محسن و محصنه) زنا کند باید او را به وسیله زدن سنگ بکشند (شکوری، 1386، ص 3). قانون مجازات اسلامی در ماده 83 کیفر زنا محصنه را این گونه مقرر کرده است که: «حد زنا در موارد زیر رجم است: الف- زناي مرد محسن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می‌تواند با او جماع کند. ب- زناي زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد».

اجرای مجازات مزبور با توجه به آموزه‌های حقوق بشری مورد انتقادات داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است؛ به همین دلیل در مواد 222 الی 229 قانون مجازات اسلامی (فصل اول از بخش دوم) که به حکم زناي محصنه اختصاص دارد، هیچ گونه ذکر از کیفر رجم به میان نیامده و حکم زناي محصنه مبهم باقی مانده است. از یک طرف در ماده 227 آمده: «مردی که همسر دائم دارد، هرگاه قبل از دخول، مرتکب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است» و در ماده 228 نیز آمده: «حد زنا در مواردی که مرتکب غیر محسن باشد، صد ضربه شلاق است»، از طرف دیگر در هیچ کدام از مواد مندرج در این فصل، حکم زناي محصنه مورد اشاره قرار نگرفته است. حال این سؤالات مطرح می‌شود که چرا قانون گذار کیفر زناي محصنه را مبهم گذاشته است؟ آیا حذف این مجازات عمداً و در راستای محدودیت در اجرای مجازات سالب حیات است؟ آیا در اجرای این مجازات شبهه دارد که اقدام به حذف آن از قانون کرده است؟ اگر چنین است آیا در این مورد نمی‌توان به قاعده «الحدود تدرء بالشبهات» استناد کرد؟ اگر چنین نیست و مقنن هنوز به اجرای این مجازات اعتقاد راسخ دارد؛ چرا آن را صریحاً در قانون ذکر نکرده است؟ چگونه است وقتی خود قانونگذار نمی‌تواند حکمی را از بطن متون فقهی استنباط و صریحاً در قوانین ذکر کند استنباط آن را به قضات محاکم می‌سپارد که یقیناً به اندازه او حکیم نیستند؟ در این میان اصل قانونی بودن مجازاتها و در نتیجه کرامت حیات انسان چه جایگاهی در قوانین ایران خواهد داشت؟ در هر صورت تکریم حیات افراد و اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها اقتضا می‌کند که مقنن حکم زناي محصنه را صریحاً در قانون مشخص کند و هرگونه شبهه را در این مورد بزدايد.

### مواد مخدر و مجازات سالب حیات و جایگزین آن

مطابق ماده 45 الحاقی، جرم‌هایی که در قانون مبارزه با مواد مخدر مجازات اعدام یا حبس ابد دارند در صورتی که هیچ یک از شرایط بندهای الف تا ت را نداشته باشند، مجازات اعدام آن به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان گردان تبدیل می‌شود و جرایم با حبس ابد به حبس و جزای نقدی درجه دو و ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان گردان، تغییر و تقلیل پیدا می‌کند که در خصوص آن توضیح داده می‌شود (ذبحی، 1397، ص 70).



نظر مشورتی شماره 7/96/2455 تاریخ 1396/10/16 ا.ح.ق در این خصوص: «... 5- با عنایت به اطلاق عبارت «مرتکبان جرایمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند» مذکور در صدر ماده واحده الحاقی یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب 1396/7/12 و اینکه ماده 9 این قانون ناظر به م.اد موضوع ماده 8 همین قانون است و در بند تا ماده واحده الحاقی صدرالذکر، راجع به مطلق مواد موضوع این ماده (ماده 8) نصاب جدیدی مقرر شده است، بنابراین مجازات اعدام مقرر در ماده 9 یاد شده، نسبت به مرتکبان بعد از لازم الاجرا شدن این قانون اگر مشمول یکی از بندهای الف تا ت ماده واحده الحاقی نباشد، برابر صدر این ماده واحده به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن تبدیل شده است.»

### 1- مجازات‌های درجه‌ی یک و دو

براساس ماده 19 قانون مجازات اسلامی حبس‌های درجه یک و دو عبارتند از:

مجازات‌های درجه‌ی یک: «1- حبس بیش از 25 سال 2- جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال (صد میلیون تومان) 3- مصادره کل اموال 4- انحلال شخص حقوقی»

مجازات‌های درجه‌ی دو: «1- حبس بیش از 15 تا 25 سال 2- جزای نقدی بیش از پانصد میلیون ریال (پنجاه میلیون تومان) تا یک میلیارد ریال (یکصد میلیون تومان)»

«درجه بندی مجازات‌ها براساس ماده 19 ق.م.ا. مصوب 1392، علی‌الاصول ناظر به مجازات‌های قانونی جرایمن تعزیری است مانند تعیین درجه جرایمی که برابر مواد 40 و 46 قانون مجازات اسلامی مذکور، قابل تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات است، ولی گاهی ناظر به مجازات‌های مندرج در حکم است مانند موارد اعمال مجازات‌های تبعی نسبت به محکومان به حبس تا درجه 4 یا 5 برابر بندهای ب و پ ماده 25 قانون یاد شده، بنابراین دادگاه حسب مورد باید مجازات قانونی یا مقرر در حکم را لحاظ نماید.» (گلدوزیان، 1395، ص 70)

### 2- کیفر جرم‌های با مجازات اعدام پس از تبدیل و تخفیف

با توجه به ماده‌ی 45 الحاقی قانون، تمام جرم‌های با مجازات اعدام قانون مبارزه با مواد مخدر اگر حداقل یکی از شرایط بندهای الف تا ت ماده 45 الحاقی را دارا نباشد به حبس درجه یک بیش از 25 سال تا 30 سال و جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال تا دو برابر حداقل آن یعنی دو میلیارد ریال و ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان گردان تبدیل می‌شود.

نظر مشورتی شماره 7/96/2455 تاریخ 1396/10/17 ا.ح.ق در این خصوص: «5- با عنایت به اطلاق عبارت «مرتکبان جرایمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند» مذکور در صدر ماده واحده الحاقی یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب 1396/7/12 و اینکه ماده 9 این قانون ناظر به مواد موضوع ماده 8 همین قانون است و در بند تا ماده واحده الحاقی صدرالذکر، راجع به مطلق مواد موضوع این ماده (ماده 8) نصاب جدیدی مقرر شده است، بنابراین مجازات اعدام مقرر در ماده 9 یاد شده، نسبت به مرتکبان بعد از لازم الاجرا شدن این قانون اگر مشمول یکی از بندهای الف تا ت ماده واحده الحاقی نباشد، برابر صدر این ماده واحده به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن تبدیل شده است.»

به این ترتیب، علیرغم تبدیل و کاهش مجازات اعدام به حبس، جزای نقدی ذکر شده به مجازات مرتکب افزوده می‌شود و افزون بر آن، مصادره اموال ناشی از همان جرم به مصادره اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان گردان افزایش پیدا می‌کند. در واقع قاضی باید از طریق کمیته‌ی شناسایی اموال شورای هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر، اموالی که از قاچاق مواد مخدر یا روان گردان ناشی و تحصیل شده است را شناسایی و مود حکم قرار دهد (ذبحی، 1397، ص 73).

### 3- کیفر جرم‌های با مجازات حبس ابد

مجازات‌های حبس ابد قانون مبارزه با مواد مخدر به حبس بیش از 15 تا 25 سال و جزای نقدی بیش از 550 میلیون ریال<sup>۱۱</sup> یک میلیارد ریال و ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان گردان تبدیل می‌شود. در این مورد نیز گستره مصادره اموال افزایش پیدا می‌کند. در عین حال باید توجه داشت که موارد ضبط محل‌هایی که برای انبار کردن، تولید یا توزیع مواد معد شده یا مورد استفاده قرار می‌گیرد (موضوع ماده 13 ق.م.م.م)<sup>۱</sup> یا ضبط واحدهای تولیدی، تجاری یا خدماتی مورد استفاده برای استعمال مواد در صورت تکرار جرم (موضوع تبصره ماده 14 ق.م.م.م)<sup>۲</sup> یا ضبط آلات و ادوات تولید و ساخت و استعمال مواد (موضوع ماده 20 ق.م.م.م)<sup>۳</sup> ضبط خودروای حامل مواد (موضوع ماده 30 ق.م.م.م)<sup>۴</sup> و تبصره ماده 28 ق.م.م.م)<sup>۵</sup> یا ضبط اموال تحصیل شده از قاچاق مواد و اموال متهمان فراری (موضوع ماده 28 ق.م.م.م)<sup>۶</sup> و سایر موارد، مانند ممنوع الخروج کردن اتباع جمهوری اسلامی ایران که اقدام به نگهداری، حمل یا قاچاق هر مقدار مواد موضوع قانون به داخل یا خارج از کشور می‌کنند. (ماده 17 ق.م.م.م)<sup>۷</sup> یا م.ارد انفصال مرتکب از خدمات ولتی (موضوع مواد 7، تبصره 2 ماده 8، ماده 12، ماده 14، تبصره 2 ماده 21، ماده 24 و ...) و سایر موارد که به طور صریح از سوی ماده الحاقی نسخ نشده است به قوت خود باقی است.

۱ - ماده 13: «هرگاه کسی واحد صنعتی، تجاری، خدماتی و یا محل مسکونی خود را برای انبار کردن، تولید و یا توزیع مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیردارویی معدسازد و یا مورد استفاده قرار دهد یا بدین منظور آنها را در اختیار دیگری بگذارد نیز هرگاه نماینده مالک با اطلاع یا اجازه وی مرتکب این امر شود موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط لغو و واحد یا واحدهای مذکور در این ماده به نفع دولت ضبط می‌گردد.»

۲ - ماده 14: «هر کس به منظور استعمال مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیردارویی مکانی را دایر و یا اداره کند به پنج میلیون تا ده میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک تا دو سال حبس و انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم می‌شود. مجازات تکرار این جرم، دو تا چهار برابر مجازات بار اول خواهد بود.

تبصره - در صورتی که مکان مذکور در این ماده واحد تولیدی یا تجاری و یا خدماتی باشد علاوه بر مجازات مقرر در این ماده، موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد تولیدی و نیز پروانه کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط به مدت یک سال از اعتبار می‌افتد و در صورت تکرار جرم، واحد مذکور به نفع دولت ضبط می‌شود.»

۳ - ماده 20: «هر کس آلات و ادوات مخصوص تولید یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیردارویی را وارد کند، بسازد، خرید یا فروش کند علاوه بر ضبط آنها به یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و ده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می‌شود. مرتکبین نگهداری، اخفا یا حمل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر، علاوه بر ضبط آنها به ازای هر عدد صد تا پانصد هزار ریال جزای نقدی یا پنج تا بیست ضربه شلاق محکوم می‌شوند. عتایق از شمول این ماده مستثنی می‌باشند.»

۴ - ماده 30: «وسائط نقلیه‌ای که حامل مواد مخدر شناخته می‌شوند به نفع دولت ضبط و باتصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می‌گیرد. چنانچه حمل مواد مخدر بدون اذن و اطلاع مالک وسیله نقلیه صورت گرفته باشد وسیله نقلیه به مالک آن مسترد می‌شود.

تبصره - کلیه افرادی که به هر نحو اقدام به ساخت یا تعبیه جاسازی جهت حمل مواد مخدر در وسائط نقلیه می‌نمایند، در صورت وقوع جرم به عنوان معاون در جرم ارتكابی و در غیر آن از سه ماه تا شش ماه حبس و حسب مورد از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می‌شوند.»

۵ - تبصره ماده 28: «وسائط نقلیه‌ای که در درگیری مسلحانه از قاچاقچیان مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیردارویی به دست می‌آید دادگاه آن را به نفع سازمان عمل کننده ضبط می‌کند.»

۶ - ماده 28: «کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیردارویی تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی‌باشد.»

۷ - ماده ۱۷: «چنانچه اتباع جمهوری اسلامی ایران با هر قصدی اقدام به نگهداری، حمل یا قاچاق هر مقدار مواد موضوع این قانون به داخل یا خارج از کشور نمایند، از زمان قطعی شدن حکم به مدت یک تا پنج سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع الخروج می‌شوند و در صورت تکرار، به مدت پنج تا پانزده سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع الخروج می‌شوند. صدور هرگونه گذرنامه برای اتباع ایرانی که در خارج از کشور به سبب جرائم موضوع این قانون محکوم شده‌اند مشمول ممنوعیت موضوع این ماده می‌باشد.»



#### 4- ابهام در تعیین مجازات جرای نقدی براساس وزن تریاک و مواد هم‌ردیف آن

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که جرم‌هایی چون حمل، نگهداری و مخفی کردن بیش از یکصد کیلوگرم تریاک و مواد هم‌ردیف آن که علاوه بر حبس ابد، جزای نقدی مازاد بر یکصد کیلوگرم (سی و شش میلیون تومان) به ازای هر کیلو دوپست هزار تومان دارد و رعایت تناسب جزای نقدی در آن چه می‌شود؟

برای مثال، وقتی شخصی دوپست کیلوگرم حشیش را حمل کند، براساس صدر ماده‌ی 45 الحاقی، باید حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال و جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون ریال تا یک میلیارد ریال برای او تعیین شود. در اینجا موارد مزبور مورد ابهام قرار می‌گیرد.

در پاسخ دو نظر قابل ارائه است:

نخست آن که گفته شود دیگر تناسب و لزوم رعایت آن منتفی است، پس قاضی اختیار دارد بین حداقل و حداکثر حبس و جزای نقدی مقرر را برای مرتکب تعیین کند.

نظر دیگر این است که قاضی در تعیین حبس، رعایت نسبی تناسب از حداقل پانزده تا بیست و پنج سال حبس (براساس شرایط جرم و مجرم) را در نظر بگیرد و لیکن در جرای نقدی میزان مواد از 550 میلیون ریال که معادل بیش از 100 کیلوگرم مواد است و تا یک میلیارد ریال جزای نقدی، به ازای هر کیلو افزایش یابد و تناسب رعایت شود و مازاد یک میلیارد ریال ثابت بماند. این نظر با قواعد حاکم بر قانون مبارزه با مواد مخدر سازگارتر است.

#### 5- مصداق‌های مجازات‌های اعدام قابل تبدیل به درجه یک

مجازات‌های اعدامی که به دلیل نداشتن شرایط بندهای الف تا ت ق.م.م.م طبق ماده 45 الحاقی به نوع درجه یک تبدیل می‌شود عبارتند از:

- 1- جرم موضوع بند چهار ماده 2 ق.م.م.م (تکرار کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه برای تولید م.اد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیردارویی برای بار چهارم)
- 2- جرم‌های موضوع ماده 4 ق.م.م.م<sup>1</sup> (وارد کردن، صادر کردن، ارسال، تولید، ساخت، توزیع، فروش یا در معرض فروش قرار دادن بیش از 5 کیلوگرم تریاک یا مواد و هم‌ردیف آن).
- 3- جرم تکرار بند چهار ماده 5 ق.م.م.م برای بار دوم.
- 4- جرم‌های تکرار بندهای پنج و شش ماده 5 ق.م.م.م.
- 5- جرم موضوع قسمت ذیل ماده‌ی 6 ق.م.م.م<sup>1</sup> (به بیش از 5 کیلوگرم رسیدن جرم‌های موضوع بندهای ماده 4 قانون)

<sup>1</sup> - «هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیردارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود: (اصلاحی مصوب 1389/5/9)

۱ - تا پنجاه گرم، تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق.  
۲ - بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، از چهار میلیون تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و در صورتی که دادگاه لازم بداند تا سه سال حبس.

۳ - بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، از پنجاه میلیون تا دوپست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و سه تا پانزده سال حبس.

۴ - بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.  
تبصره - هرگاه محرز شود مرتکب جرایم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده و مواد، بیست کیلو یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط مذکور آنها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال ناشی از همان جرم می‌نماید. در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکب تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند.

- 6- جرم موضوع تبصره ماده 5 ق.م.م.آ، ناظر به ماده 4 با مجازات اعدام (قاچاق زنجیره‌ای یا باندی)
- 7- جرم‌های موضوع ماده 8 ق.م.م.آ (وارد کردن، ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش یا در معرض فروش قرار دادن، نگهداری، مخفی یا حمل کردن بیش از یک‌دگرم هروئین و مواد هم ردیف آن)
- 8- جرم موضوع ماده 9 ق.م.م.آ (به سی گرم رسیدن وزن مواد موضوع ماده 8 قانون در اثر تکرار در مرتبه چهارم و بعد از آن)

1 - ماده 6: «مرتکبین جرایم مذکور در هر یک از بندهای ۱، ۲ و ۳ دو ماده ۴ و ۵ در صورت تکرار جرم مذکور در همان بند یا هر یک از بندهای دیگر برای بار دوم به یک برابر و نیم، برای بار سوم به دو برابر و در مرتبه‌های بعد به ترتیب دو و نیم، سه و نیم و ... برابر مجازات جرم جدید محکوم خواهند شد. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه است. چنانچه در نتیجه تکرار جرایم موضوع بندهای مذکور از ماده ۴ میزان مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب به مجازات اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم محکوم می‌شود و چنانچه در نتیجه تکرار جرایم مذکور از دو ماده ۴ و ۵ یا بندهای مذکور در ماده ۵ مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد به دو برابر مجازات بند ۴ از ماده ۵ محکوم خواهد شد.»

2 - ماده 5: «هر کس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین ماده به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

- ۱ - تا پنجاه گرم، تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق.
- ۲ - بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، پنج تا پانزده میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.
- ۳ - بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، پانزده میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی و چهل تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس.
- ۴ - بیش از پنج کیلوگرم تا بیست کیلوگرم، شصت تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و پنج تا ده سال حبس و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر مجازات‌های مذکور، به جای جریمه مصادره اموال ناشی از همان جرم، و برای بار سوم اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.
- ۵ - بیش از بیست کیلوگرم تا یک‌دگرم کیلوگرم، علاوه بر مجازات مقرر در بند ۴ به ازای هر کیلوگرم دو میلیون ریال به مجازات جزای نقدی مرتکب اضافه می‌رسد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.
- ۶ - بیش از یک‌دگرم کیلوگرم، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق مقرر در بندهای ۴ و ۵ حبس ابد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره - مرتکبین جرایم فوق چنانچه به صورت زنجیره‌ای عمل کرده باشند و مواد برای مصرف داخل باشد مشمول مجازات‌های ماده ۴ خواهند بود و چنانچه یکی از دو شرط موجود نباشد به مجازات‌های این ماده محکوم می‌گردند.»

3 - ماده 8: «هر کس هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیک اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آفگتامین (ام.دی.آ. یا آکستاسی)، گاما هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلونیترازام، آفگتامین، مت آفگتامین (شیشه) و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر دارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد. (اصلاحی مصوب ۱۳۸۹/۵/۰۹)

- ۱- تا پنج سانتی گرم، از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا پنجاه ضربه شلاق.
- ۲ - بیش از پنج سانتی گرم تا یک گرم، از دو میلیون تا شش میلیون ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق.
- ۳ - بیش از یک گرم تا چهار گرم، از هشت میلیون تا بیست میلیون ریال جریمه نقدی و دو تا پنج سال حبس و سی تا هفتاد ضربه شلاق.
- ۴ - بیش از چهار گرم تا پانزده گرم، از بیست میلیون تا چهل میلیون ریال جریمه نقدی و پنج تا هشت سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.
- ۵ - بیش از پانزده گرم تا سی گرم، از چهل میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.
- ۶ - بیش از سی گرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره ۱- هر گاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند (۶) این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده در صورتی که میزان مواد بیش از یک‌دگرم گرم نباشد با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، دادگاه به حبس ابد و مصادره اموال ناشی از همان جرم، حکم خواهد داد.

تبصره ۲- در کلیه موارد فوق چنانچه متهم از کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و شرکتها و یا موسسات وابسته به دولت باشد، علاوه بر مجازات‌های مذکور در این ماده به انفصال دائم از خدمات دولتی نیز محکوم خواهد شد.»

4 - ماده 9: «مجازات‌های مرتکبین جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می‌باشد. چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی

9- جرم موضوع ماده 12 ق.م.م.م<sup>۱</sup> (وارد کردن مواد به زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگهداری معتادان اظر بر ماده‌های 4 تا 9 قانون که مجازات اعدام دارد)

10- جرم موضوع ماده 26 ق.م.م.م<sup>۲</sup> (قرار دادن مواد در محلی برای متهم کردن دیگری که مجازات اعدام دارد)

11- جرم‌های موضوع ماده 40 ق.م.م.م<sup>۳</sup> (قاچاق پیش سازهای مواد با مجازات اعدام که عمدتاً به موارد تکرار جرم بر می‌گردد)

12- جرم‌های موضوع قسمت ذیل ماده 40 ق.م.م.م (وارد کردن، خرید، فروش، ساخت، مصرف، نگهداری یا صدور کدیین یا متادون ناظر بر ماده 5 قانون که مجازات اعدام دارد).

13- جرم‌های موضوع ماده 35 ق.م.م.م<sup>۴</sup> که کیفر اعدام دارد.

## 6- مجازات‌های حبس ابد قابل تبدیل به درجه دو

مجازات‌های حبس ابد به دلیل نداشتن شرایط بندهای الف تا ت ق.م.م.م طبق ماده 45 الحاقی به نوع درجه دو تبدیل می‌شود عبارتند از:

1- جرم موضوع تبصره بند چهار ماده 4 ق.م.م.م (قاچاق کمتر از بیست کیلوگرم مواد برای بار اول)

2- جرم موضوع بند شش ماده 5 ق.م.م.م (مخفی کردن، خرید، حمل و نگهداری بیش از 100 کیلوگرم تریاک یا مواد هم ردیف آن)

3- جرم موضوع تبصره ماده 5 ق.م.م.م ناظر بر تبصره ماده 4 ق.م.م.م (قاچاق زنجیره‌ای یا باندی)

محکوم و در ملا عام اجرا خواهد شد. چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به چهل تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود. مجازات‌های مرتکبین جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می‌باشد. چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملا عام اجرا خواهد شد. چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به چهل تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.

<sup>۱</sup> - ماده 12: «هر کس مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی را به داخل زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگهداری معتادان وارد نماید، حسب مورد به اشد مجازات‌های مذکور در مواد ۴ تا ۹ محکوم می‌رسد و در صورتی که مرتکب از مأموران دولت باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی نیز محکوم می‌شود.

هر گاه در اثر سهل انگاری و مسامحه مأموران، مواد مخدر به داخل این مراکز وارد شود مأموران خاطی به تناسب، به مجازات: الف: تنزل درجه.

ب: انفصال موقت.

ج: انفصال دائم محکوم می‌شوند.»

<sup>۲</sup> - ماده 26: «هر کس به قصد متهم کردن دیگری، مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی و یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد.»

<sup>۳</sup> - ماده 40: «هر کس عالماً عامداً به قصد تبدیل یا تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی، مبادرت به ساخت، خرید، فروش، نگهداری، حمل، ورود، صدور و عرضه مواد صنعتی و شیمیایی از قبیل انیدریداستیک، اسید انتراتیلیک، اسید فنیل استیک، کلرور استیل و سایر مواد مندرج در جدول یک و دو ضمیمه به ماده ۱۲ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان مصوب ۱۹۸۸ میلادی و اصلاحات و الحاقات بعدی آن ننماید، همچنین نسبت به ورود، خرید، فروش، ساخت، مصرف و نگهداری یا صدور کدیین و متادون اقدام نماید بارعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر محکوم خواهد شد.»

<sup>۴</sup> - ماده 35: «هر کس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد مجبور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی نماید به یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود. (الحاقی مصوب ۱۳۸۹/۵/۹).

- 4- جرم موضوع تبصره یک بند شش ماده 8 ق.م.م (قاچاق کمتر از یکصد گرم هروئین و مواد هم دیف آن یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور)
- 5- جرم موضوع ماده 12 ناظر بر بند شش ماده 5 و ... (وارد کردن مواد به داخل زندان و بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگهداری معتادان با مجازات حبس ابد)
- 6- جرم موضوع ماده 26 ق.م.م (قرار دادن مواد در محلی به قصد متهم کردن دیگری) با مجازات حبس ابد
- 7- جرم موضوع ماده 35 ق.م.م (وادار کردن اطفال و نوجوانان یا افراد محجور عقلی به ارتکاب جرم) با مجازات حبس ابد
- 8- جرم‌های موضوع ماده 40 ق.م.م (ساخت، خرید، فروش، نگهداری، حمل، ورود، صدور و عرضه پیش سازهای مواد مخدر و روان گردان) با مجازات حبس ابد.
- 9- جرم‌های وارد کردن، خرید، فروش، ساخت، نگهداری یا صدور کدیین یا متادون ناظر به ماده 5 قانون که مجازات حبس ابد دارد (ذبحی، 1397، صص 78-79).

#### 7- ابهام در حذف مجازات شلاق

همانطور که گفته شد براساس ماده 45 الحاقی، مجازات‌های اعدام و حبس ابد ق.م.م در صورتی که شرایط بندهای الف تا ت قانون را نداشته باشند، حبس مورد، مجازات‌های اعدام به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و مجازات‌های حبس ابد به حبس و جزای نقدی درجه دو و ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان گردان تبدیل می‌شوند. نظر به این که در مواردی مانند مجازات شلاق نیز وجود دارد در خصوص حذف این مجازات اختلاف نظر است. نظر اول تعلق قصد قانونگذار بر حذف مجازات شلاق است.

نظر مشورتی شماره 7/96/2765 مورخ 1396/11/10 ا.ح.ق بر این عقیده دلالت دارد و چنین است:

«... 2- در فرض سوال که در اجرای صدر ماده واحده الحاقی، مجازات اعدام به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن تبدیل شده است، تعیین مجازات شلاق، اساساً منتفی است.»

نظر دوم: بقای مجازات شلاق به دلیل وجود قانون خاص مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و نسخ نشدن با قانون جدید است.

افزون بر آن، ماده 45 الحاقی مجازات جایگزین حبس ابد را به شرح فوق تعیین کرده است. لیکن در مقام تبدیل یا حذف شلاق نبوده است. در نتیجه مواردی که مجازات حبس ابد همراه با شلاق است، با تبدیل حبس ابد شلاق آن بدون تغییر باقی می‌ماند.

#### 8- مجازات معاون جرم‌های مشمول ماده 45 الحاقی

در اجرای بند الف ماده 127 ق.م.ا، مجازات معاون جرم‌هایی که دارای یکی از شرایط بندهای الف تا ت ماده 45 الحاقی هستند، حبس تعزیری درجه یک است و برای جرم‌های دیگر که به دلیل نداشتن یکی از شرط‌های مزبور حسب مورد به حبس درجه یک و دو تبدیل می‌شوند، براساس بند ت ماده 127 قانون مجازات اسلامی، مجازات یک یا دو درجه پایین‌تر از کیفر جرم ارتکاب یافته تعیین می‌شود.

#### مجازات‌های جایگزین اعدام در جرایم مواد مخدر

امروزه در اثر تغییر رویکردها در حوزه فلسفه مجازات‌ها و تحول مبانی نظری به وجود آمده، نظام‌های حقوقی دچار تغییر و تحولات عمده‌ای گردیده‌اند. رویکرد اغلب نظام‌های حقوقی دنیا نسبت به مجرمین جنبه اصلاحی دارد که با تاکید بر این امر وجود شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر پذیرفته شده است. با توجه به تحولات و پیشرفت‌هایی که در علوم جنایی حاصل

شده است، دیگر اعتقاد بر کارآیی و سازگاری مجازات‌های ثابت وجود ندارد. با توجه به این امور قانون مجازات اسلامی به تبع قانون اساسی همسو با فلسفه و اهداف مجازات‌ها سیاست به کارگیری شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر را پذیرفته است. کاربست شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر همسو با اصل فردی کردن مجازات‌ها نیز می‌باشد.

اصل فردی کردن مجازات‌ها به عنوان یکی از اصول مترقی حاکم بر مجازات‌ها به معنای اعمال و اجرای مجازات متناسب با شخصیت و ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی فرد مجرم است که به اعتبار ماهیت جرم ارتكابی و یا خصوصیات مجنی علیه از طرف مقنن پیش بینی شده و از سوی قوای قضاییه و مجریه به منصفه ظهور کشیده می‌شود و ممکن است حسب مورد منجر به تشدید یا تعلیق مجازات‌ها گردد. لذا با توجه به عواملی نظیر تاثیرپذیری شخصیت انسان از عوامل مختلف زیستی، روانی و اجتماعی و وجود تفاوتها، به کار بردن اعمال متفاوت جهت اجرای عدالت و اصلاح مجرم ضرورت پیدا می‌کند. همه این عوامل خود می‌توانند به تنهایی مبنایی برای پذیرش شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر تلقی گردند. اعمال شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر منطبق با اصل فردی کردن مجازات‌ها و در راستای اهداف مجازات‌ها و قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» است. روشن است که اتخاذ این تدابیر از جمله سیاست‌های حکومت در قبال جرایم و کیفرزدایی از آنهاست. همچنین استفاده از شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر می‌تواند در جامعه آثار بسیار مثبتی نظیر جلوگیری از برچسب خوردن افراد، انجام فعالیت‌های روزانه، دور بودن از محیط زندان، اشتغال و ... از خود برجای بگذارد. بنابراین از طریق اعمال شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر بهتر می‌توان به غایت و اهداف مجازات‌ها نایل گشت.

#### 1- ضرورت استفاده از جایگزین‌های مجازات اعدام در جرایم مربوط به مواد مخدر

با توجه به فلسفه و اهداف مجازات‌ها و نگاه جرم شناختی به جرایم مواد مخدر نسبت به شرایط موجود و با عنایت به اینکه قانون مبارزه با مواد مخدر در غیر از مجازات اعدام، تعزیر محور می‌باشد و با توجه به اصول قانون اساسی بایستی ضرورت وجود شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر نسبت به جرایم مواد مخدر اثبات گردد. از همین رو ابتدا به اختصار اهداف مجازات‌ها با تاکید بر قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» و اصل 156 قانون اساسی مد نظر قرار می‌گیرد که حاصل آن اثبات ضرورت اعمال شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر در قانون مبارزه با مواد مخدر با توجه به این رویکرد و مبانی است.

صرف نظر از سابقه تاریخی مجازات‌ها و اعمال آن در زمان پیدایش گروه‌های مختلف بشری، فلسفه مجازات‌ها از منظر مکاتب مختلفی نظیر سزاگرایی با توجیهاتی نظیر تهذیب معنوی مجرم، الفا یا محو جرم، الزام اخلاقی، جبران یا ادای دین، اصلاح امتیاز ناعادلانه و ... یا مکتب اصالت سودمندی با توجیهاتی نظیر بازدارندگی و یا اصاح بوده (یزدیان جعفری، 1386، ص 328). اما اهداف و مقاصد احکام شریعت و به تبع آن حقوق کیفری در اسلام علاوه بر موارد فوق الذکر، همواره مبتنی بر مصالح و مفاسد است (قربان نیا، 1387، ص 49). حقیقتی که در خصوص مجازات‌ها نیز صادق می‌باشد. بدین توضیح که مبتنی بر مصلحت‌های ضروری جامعه اسلامی نظیر بازداشتن بشر از تجاوز به حقوق و اضرار به غیر و جلوگیری از فساد، ارتکاب جرم توسط مجرم به عنوان مفسده‌ای واجب‌الدفع ضرورت پیش بینی مجازات را در جامعه اثبات می‌کند.

با توجه به تقسیم بندی جرایم در حقوق کیفری اسلام، هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که در اینجا نیز همان اهداف مجازات‌ها یعنی اصلاح و سزا دادن و بازدارندگی مبتنی بر مصلحت و دفع مفاسد مورد پذیرش قرار گرفته شده است. در باب تعزیرات برخی از فقهای اسلامی این استدلال را بیان می‌کنند که تعزیر به رای و اجتهاد امام وابسته است تا آنچه را که بر حسب میزان زشتی گناه و تعدی و جرات مرتکب بر آن برای وی مناسب است از باب بازداشتن و دفع تعیین نماید (محمودی جانکی، 1389، ص 10). مطابق با این مبنا آنچه که در حقوق کیفری ایران در خصوص اهداف مجازات‌های تعزیری شایع است، همان جنبه بازدارندگی و اصلاح مجرم است و مجازات‌های تعزیری مبتنی بر قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» اند. بنابراین حاکم به هر نحوی که تشخیص دهد چه در خصوص جرم انگاری و چه در خصوص مجازات‌ها می‌تواند عمل نماید، اما آنچه که حائز اهمیت است میزان انطباق اقدامات حاکم در خصوص اعمال مجازات بر اساس بما یراه الحاکم با فلسفه وجودی تعزیرات که همان بازدارندگی و اصلاح مجرم است، می‌باشد.



حال بایستی دید که در حوزه مجازاتهای جرایم مواد مخدر اهداف مجازاتهای تعزیری تا چه میزان محقق گردیده است؟ تحقیقات انجام شده توسط طرفداران سیاست اصلاح و درمان نشان می‌دهد تلاش‌هایی که برای کاهش میزان بازگشت به جرم از طریق اقدامات تنبیهی انجام می‌شود تاثیری ندارد و حتی ممکن است موجب افزایش و میزان بازگشت به جرم شود، بر اساس این تحقیقات، اقدامات تنبیهی شدید مانند توسل به مجازات‌های بدنی عملکرد مثبتی در جهت جلوگیری از تکرار جرم توسط بزهکاران ندارد (کونانی و بیگدلی، 1390، ص 17). حقیقتی که در جرایم مواد مخدر نیز مشهود است و تجربه نشان داده که سخت‌ترین مجازاتها نظیر اعدام نیز نتوانسته است غایت مجازاتهای تعزیری را محقق گرداند، از طرف دیگر با تتبع در مجازاتهای مقرر شده در اسلام می‌توان به دلایل بسیاری دست یافت که مقتضای آن عدم ضرورت اجرای مجازات و عدم مطلوبیت اجرای آن است. همچنین اگر هدف از اعمال مجازاتهای تعزیری اصلاح باشد واضح است که مجازات شرط کافی برای اصلاح مجرم نیست. اصلاح متضمن تغییر در روحیات و تشخیص بد بودن عمل انجام شده و تصمیمی صادقانه برای اصلاح زندگی آینده است، بنابراین اصلاح مستلزم تغییر در نگرش اخلاقی مجرم است و برای این منظور اگر علاقه مند به اصلاح هستیم لازم است به جای تحمیل مجازات صرف به اقدامات آموزشی متوسل شویم، توجه برخی قوانین در اتخاذ سیاست‌های معروف به جایگزین مجازات ناشی از همین طرز فکر است (ناتینگهام، 1384، ص 163). بنابراین اگر مجازات یک پدیده اجتماعی است باید مانند سایر پدیده‌های اجتماعی قابل انعطاف باشد (حسینی و صابری تولایی، 1393، ص 90). از طرف دیگر، نشانه‌های سیاست اصلاح و درمان در قانون اساسی در بند پنجم اصل 156 قانون اساسی به وضوح مورد اشاره قرار گرفته شده است. امری که در قانون مجازات اسلامی به وسیله شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر نمود پیدا کرده است. لذا ضرورت وجود شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر با تبیین اهداف مجازات‌ها و ضرورت اصلاح و درمان مجرمین و توجه قانون‌گذار بر این امر در قانون اساسی به عنوان بالاترین سند نظام حقوقی و قوانین عادی مادر همچون قانون مجازات اسلامی اثبات می‌گردد. به طور کلی میزان انطباق واقعیت‌های اجتماعی با نظام قضایی و قوانین موجود را می‌توان در میزان استفاده از شرایط تخفیف در جرایم مواد مخدر دانست. با توجه به اینکه به استثنای جرایمی که مجازات اعدام برای آنها پیش بینی شده رویکرد قانون مبارزه با مواد مخدر نسبت به سایر جرایم رویکردی تعزیرمحور است و مطابق با نص صریح ماده 38 مجازاتهای تعزیری در این قانون مورد استفاده و استناد قرار گرفته شده است، لهذا آنچه که در این مقال از منظر حقوق کیفری اسلام بایستی مطرح نظر قرار گیرد اهداف مجازات‌های تعزیری است.

## 2- شرایط تخفیف پیش بینی شده در قانون مبارزه با مواد مخدر

اولین و پررنگ‌ترین شرط تخفیفی در حقوق کیفری، در جهت فردی کردن مجازات‌ها شرط تخفیف است. این شرط در قانون مبارزه با مواد مخدر نظام ویژه و شرایط مخصوصی دارد. قانونگذار در ماده 38 این قانون تخفیف در مجازات را تجویز نموده است. بر اساس این ماده سقف تخفیف در مجازات‌های دارای حداقل و حداکثر، تا نصف حداقل؛ در مجازات‌های فاقد حداقل، تا نصف همان مجازات؛ در احکام حبس ابد، 15 سال و در اعدام تقاضای عفو و تخفیف از طریق کمیسیون عفو است. بدین ترتیب مشخص می‌شود که قاضی در جرایم مواد مخدر در حدود معینی قادر به تخفیف است. از سویی ماده 37 قانون مجازات اسلامی نیز در خصوص تخفیف مجازات مقررات به خصوصی مقرر داشته است.

هرچند تشخیص نسخ ضمنی در عمل دشوار است و یک عمل نظری محسوب می‌گردد (جعفری لنگرودی، 1384، ص 100). قبل از ورود به بحث تعیین مقرر حاکم حائز اهمیت است، چرا که نوع و میزان تخفیف در این دو قانون با هم متفاوت بوده و تعیین قانون حاکم آثار عمده ای را در بر دارد. عده‌ای برآنند که رویکرد قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، یکپارچه سازی تمام قواعد حقوق جزای عمومی بوده است و کلیه قوانین و مقررات مغایر به استناد صدر ماده 728 قانون

مجازات اسلامی<sup>۱</sup> نسخ شده است و ماده ۳۷ در خصوص تخفیف در جرایم مربوط به مواد مخدر نیز حاکم است؛ زیرا با توجه به قرائن موجود، قصد مقنن آن بوده است که عام لاحق تمامی مصادیق موضوع را در بر گرفته و دامنه شمول آن، حکم سابق را نیز در برگیرد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۹۸). همچنین برای تقویت استدلال به نظر آن دسته از فقها که قائل به نسخ خاص سابق به وسیله عام لاحق هستند، توسل می‌جویند و معتقدند نفس دلیل حکم خاص، نمی‌تواند گویای استمرار آن باشد (خویی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۰۱). بر اساس این رویکرد استناد به نظریه ۵۳۱۸ مورخه ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان<sup>۲</sup> در خصوص عدم امکان نسخ مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط مراجع تقنینی نیز با توجه به ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر که اصلاح قانون به وسیله مجلس شورای اسلامی را ممکن دانسته است، فاقد وجه خواهد بود.<sup>۳</sup> اما در مقابل عده‌ای از حقوقدانان در چنین مواردی قانون مقدم را مخصص عام موخر می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۵؛ امامی، ۱۳۷۶، ص ۳۱). به عقیده این دسته، نسخ قانون تنها از طرف مرجعی که آن را وضع کرده، یا در طبقه بندی قوانین مرجع عالی‌تر است، امکان دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵). گذشته از این قانون سابق به طور یقین دلالت دارد که مقنن مایل به اجرای حکم آن است و در اثر وضع قانون عام در نسخ آن تردید پیدا می‌شود؛ بنابراین یقین سابق شک لاحق را کان لم یکن نموده و یقین سابق استصحاب می‌گردد. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون خاص بوده و راجع به تخفیف مقررات ویژه‌ای بیان کرده است، در مورد تخفیف باید همین ماده را مدنظر قرار داد و تنها در صورت سکوت و ابهام می‌توان تابع عمومات بود. از سویی در جایی که در نسخ بودن قانون جدید تردید باشد، اصل حاکم، «اصل عدم نسخ است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۷؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۲۱۳). و قرائن موید اصل منطقی یاد شده هستند. ضمن اینکه قاعده «الجمع مهمما امکن اولی من الطرح» به عنوان قاعده‌ای عقلی در اینجا حاکمیت دارد. از سوی دیگر در رویه قضایی، دادگاه‌های انقلاب در مقام تخفیف مجازات‌های موضوع جرایم مواد مخدر، به ماده ۳۷ قانون مبارزه با مواد مخدر استناد می‌کنند و تنها در خصوص سکوت و ابهام به ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی استناد می‌شود.

همین موضوع در خصوص حکم خاص قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مطرح بوده که در نهایت منتهی به صدور رأی وحدت رویه شماره ۶۲۸، مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور<sup>۴</sup> شده است که اکثریت قضات هیأت عمومی حکم خاص آن قانون را همچنان به قوت سابق پابرجا دانسته‌اند که بنا به عدم وجود خصوصیت ویژه آن در مورد قانون مبارزه با مواد مخدر قابل احتجاج است.<sup>۵</sup> صرف نظر از تصویب ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر، بند سوم نظریه شماره ۴۵۷۵ مورخ ۱۳۷۲ اردیبهشت ۱۳۷۲ شورای نگهبان نیز بر

<sup>۱</sup> - ماده ۷۲۸: «کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸، مواد ۶۲۵ تا ۶۲۹ و مواد ۷۲۶ تا ۷۲۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ و قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزائی مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها نسخ می‌گردد».

<sup>۲</sup> - نظریه ۵۳۱۸ مورخه ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان

<sup>۳</sup> - همچنین برخی از حقوقدانان متمایل به حقوق کامن لا تشخیص نسخ ضمنی در این مورد را بسته به تعبیر دادرسی از نظر قانونگذار می‌دانند. زیرا در پاره‌ای از موارد قرائن کار و مفاد حکم به خوبی دلالت دارد که قانون گذار مایل نیست هیچ گونه استثنایی بر حکم او باقی بماند و گاه نیز حفظ خاص گذشته از مقدمات وضع قانون بر می‌آید (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵).

<sup>۴</sup> - «نظر به اینکه کیفر حبس مقرر در ماده یک قانون تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسامی حداقل یک سال و حداکثر ۷ سال تعیین شده و به موجب تبصره یک ماده مرقوم، در صورت وجود علل و کیفیات مخففه دادگاهها مجازند میزان حبس را تا حداقل مدت مقرر تخفیف دهند، تمسک به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی [ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲] و تعیین حبس کمتر از حد مقرر در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی مغایر با موازین قانونی است، علیهذا رأی شعبه پنجم دادگاه تجدید نظر مرکز استان تهران که مطابق با این نظر می‌باشد، به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و موجه تشخیص و تأیید می‌شود. این رأی با استناد ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب تیرماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

<sup>۵</sup> - همچنین بنگرید به: نظریه شماره ۷/۲۷۶۳، مورخ ۱۳۷۱/۵/۱۴ اداره حقوقی قوه قضائیه.

این امر اشعار دارد که «مطابق اصل چهارم قانون اساسی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌تواند خلاف موازین شرع باشد و در مقام تعارض نسبت به اصل قانون اساسی مورد نظر مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان (موضوع صدر اصل 112) و همچنین نسبت به سایر قوانین و مقررات دیگر کشور مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام حاکم است.» لذا با ترتیبی که گذشت به نظر می‌رسد ماده 38 قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص تخفیف در مجازات‌ها حکومت دارد.

در زمان تصویب ماده 38 قانون مبارزه با مواد مخدر، مقررات عمومی حقوق کیفری بر اساس اطلاق جواز ماده 22 قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 به قاضی دادگاه در مقام تعیین کیفر، اجازه تخفیف و تبدیل به هر میزان را می‌داد، لذا قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر درصدد قبض اختیارات قاضی در مقام تخفیف و نظام‌مند سازی آن بوده است، به عبارت ساده‌تر، مقنن مقررات تخفیف قانون مجازات اسلامی را برای مجرمان مواد مخدر مناسب تشخیص نداد و خواهان محدود کردن قضات در اعمال تخفیف شد و از این رو ماده 38 را تصویب کرد تا صرفاً براساس آن اقدام شود. حال با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 اراده نهایی قانونگذار بر همین نظام مندسازی تعلق گرفته است و در ماده 37 به صورت منطقی با ایجاد محدودیت‌هایی در اختیارات قضات در استفاده از شرط تخفیف، همان هدف تأمین شده است. لذا با تصویب این قانون و نظام مندسازی مقررات تخفیف به شکل حاضر و توجه به هدف و غرض مقنن، دلیلی برای تمسک به ماده 38 قانون مبارزه با مواد مخدر در دست نیست. به نظر می‌رسد این نظرگاه هرچند خالی از قوت به نظر نمی‌رسد اما تاب معارضه با ادله‌ای که در تبیین عدم نسخ این ماده گذشت را ندارد و همچنان مقررات تخفیف منصرف به همین ماده است.

این ماده با ذکر عبارت کلی «در صورت وجود جهات تخفیف»، از بیان جهات مخففه صرف نظر کرده و چنانچه که گذشت باید برای دیدن جهات مخففه به عموماًت قانون مجازات که در ماده 38 به صورت حصری بیان شده است، رجوع کنیم. لذا از آنجا که جهات مخففه در ماده 38 قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر بیان نشده است، به لحاظ سکوت قانونگذار جهات مخففه مذکور در ماده 38 قانون مجازات اسلامی ملاک عمل قرار می‌گیرد. از سویی به نظر می‌رسد هر چند «تبدیل» زیرمجموعه تخفیف در مجازات‌ها است (الهام و برهانی، 1392، ص 179). اما بنا به سیاست جنایی مستقل مبارزه با مواد مخدر، امکان تبدیل مجازات‌ها وجود ندارد و جهات مخففه تنها می‌تواند از موجبات «تقلیل» مجازات باشد. البته در خصوص مجازات اعدام به طور استثنایی امکان تبدیل در کمیسیون عفو پیش بینی شده است.

وضعیت تخفیف در جرایم حبس و جزای نقدی بر اساس ماده 38 واضح است و دادگاه انقلاب بر همان اساس اقدام به تخفیف خواهد کرد. همچنین از آنجا که مجازات مصادره اموال در جهت تطهیر مالی محکوم و اخذ اموال نامشروع حاصل از ارتکاب جرم صورت می‌پذیرد و قانون گذار با مقید کردن عبارت «مصادره» به قید «اموال ناشی از همان جرم»، ضبط اموال نامشروع را مدنظر قرار داده است؛ لذا به نظر می‌رسد مجازات مصادره اموال قابل تخفیف نباشد. البته شاید چنین استدلال شود که ماده 38 مقید به نوع خاصی از مجازات‌ها نیست و مصادره اموال بر اساس شیوه مقرر برای مجازات‌های فاقد حدافل، تا نصف قابل تخفیف است. در پاسخ باید متذکر گشت با توجه به اینکه رفتار مجرمانه مُلک اموال حاصل از ارتکاب جرم نیست و این امر با محظور فقهی روبرو است و منتج به اکل مال به باطل خواهد شد. فراتر از آن، قانون مبارزه با مواد مخدر در اصلاحات سال 1389، با اضافه کردن عبارت «ناشی از همان جرم» به انتهای «مصادره اموال» در موارد متعدد<sup>1</sup>، به این امر توجه داشته است که ضبط اموال تنها در صورتی مشروع است که حاصل از رفتار مجرمانه باشد و به این صورت به دنبال ضبط کلیه عواید ناشی از جرم برآمده است. به عبارت ساده و کلی اگر تخفیف در مجازات مصادره اموال را بپذیریم، عمل قانونگذار و حکم دادگاه مبنی بر تخفیف با عنوان فقهی «اعانت بر اثم و عدوان» منطبق خواهد بود و نامشروع خواهد بود.

میزان تخفیف در احکام حبس ابد (مانند تبصره 1 بند 6 ماده 8 قانون) 15 سال خواهد بود و چون قانونگذار از کلمه «تا» استفاده نکرده است، دادگاه مجاز به تعیین مجازات بیشتر و یا کمتر نمی‌باشد. میحث دیگری که در خصوص تخفیف مجازات در قانون مبارزه با مواد مخدر حائز اهمیت ویژه است، مجازات اعدام است. این قانون در موارد مختلفی اعدام را به عنوان

<sup>1</sup> - نگاه کنید به مواد 4، 5، 6، 8، 18، 35 و 36 قانون مبارزه با مواد مخدر

مجازات تعیین کرده است و در خصوص تخفیف این مجازات در انتهای ماده 38، تقاضای عفو و تخفیف از طریق کمیسیون عفو را پیشنهاد کرده است.<sup>1</sup>

تخفیف در مجازات در قالب تخفیف بعد از صدور حکم نیز قابل بررسی است. تبصره ماده 38 قانون مبارزه با مواد مخدر<sup>2</sup> وضعیت ویژه‌ای را مد نظر قرار داده است که همکاری مؤثر فرد محکوم پس از صدور حکم، با سازمان‌های مربوطه یا نیروی انتظامی منجر به کشف شبکه و دسته و گروه مجرمانه می‌گردد. در این حالت قانون به دادگاه صادر کننده حکم اختیار داده است که میزان مجازات دادنامه را تا نصف تخفیف دهد. البته در خصوص اعدام بر اساس تبصره ماده 31 آیین نامه اجرایی این قانون، پرونده به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد. این موارد همچون ماده 483 قانون آیین دادرسی کیفری<sup>3</sup>، از استثنائات قاعده فراغ دادرسی محسوب می‌شود که بنا به مصالح خاص قانونگذار اجازه تغییر حکم دادگاه پس از قطعی آن را می‌دهد. به نظر می‌رسد حتی اگر قبل از صدور حکم، دادگاه بنا به جهتی از جهات مخففه، در مجازات محکوم تخفیف داده باشد، پس از آن نیز می‌تواند بر اساس همین تبصره میزان مجازات تخفیف یافته را تا نصف تقلیل دهد. به نظر می‌رسد با توجه به ظهور ماده و اصل تفسیر به نفع متهم، منظور قانون گذار از عبارت انتهایی این تبصره، مجازات مندرج در دادنامه می‌باشد.

همچنین تخفیف در تعدد و تکرار نیز ماهیت ویژه‌ای دارد. با توجه به اینکه قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 مقررات ویژه‌ای را در خصوص تخفیف مجازاتهای متعدد و تکرار جرم وضع نموده است، تحلیل این وضعیت در مورد جرایم مواد مخدر نیز ضروری است. در قانون مبارزه با مواد مخدر تفصیل ویژه‌ای در این مورد یافت نمی‌شود و به عبارت ساده تر قانون در این موارد ساکت است.

البته رجوع به حکم تبصره 3 ماده 134 قانون مجازات اسلامی فاقد اثر است چرا که این تبصره متضمن همان محدودیتی است که در ماده 38 قانون مبارزه با مواد مخدر آمده است.

### نتیجه‌گیری

مواد مخدر امروز نه تنها در ایران بلکه به عنوان یک چالش بین‌المللی مطرح است، برای حس تبعات این بیماری نیازی به توضیح نیست؛ آنچه مسلم است، استعمال، توزیع و پخش این مواد بر روی آحاد جامعه تأثیر زیانباری می‌گذارد. اثر مخرب اعتیاد از یک طرف برای فرد مبتلا و از سوی دیگر برای اطرافیان وی قابل بررسی است؛ نمی‌توان گفت آثار اعتیاد تنها متوجه فرد بیمار است زیرا خانواده و حتی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند را مورد تهدید قرار می‌دهد.

با توجه به خطراتی که این گونه مواد برای جوامع به خصوص گروه سنی جوان ایجاد کرده‌اند کشورهای مختلف دنیا قوانین مختلفی در مبارزه با این پدیده شوم تصویب کرده‌اند و مجازات‌های مختلفی برای مرتکبین جرائم مرتبط با مواد مخدر در نظر

<sup>1</sup> - «ماده 31 آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر: در اجرای قسمت ذیل ماده 38 قانون، چنانچه رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، شخصاً یا بر حسب تقاضای محکمه، محکوم علیه را مستحق عفو تشخیص دهند، اجرای حکم تا اظهار نظر کمیسیون عفو قوه قضائیه و قبول یا رد پیشنهاد عفو از طرف مقام معظم رهبری، متوقف خواهد شد. در این موارد، دادگاه پرونده را از طریق هیئت عفو سریعاً به کمیسیون عفو قوه قضائیه ارسال می‌نماید.

تبصره- نحوه اجرای تبصره ماده 38 قانون، نسبت به محکومین اعدام و حبس ابد همان است که در صدر ماده فوق آمده است.»

<sup>2</sup> - «کلیه محکومینی که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل کننده همکاری نمایند و اقدام آنها منجر به کشف شبکه‌ها گردد دادگاه صادرکننده رأی می‌تواند با تقاضای نیروی انتظامی و یا سازمان عمل کننده براساس اسناد مربوطه، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق‌الصدور تا نصف تخفیف دهد.»

<sup>3</sup> - «ماده 483 آیین دادرسی کیفری: هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیرقابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند، محکوم علیه می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (300) این قانون، رسیدگی می‌کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می‌دهد یا به مجازاتی که مناسب‌تر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می‌کند. این رأی قطعی است.»

گرفته‌اند. مطابق آمار، 21 کشور از جمله ایالات متحده آمریکا برای مبارزه با جرائم مرتبط با این موضوع مجازات اعدام را در نظر گرفته‌اند.

آنچه از آرای فقها به دست می‌آید اینکه: می‌توان از باب افساد فی الارض یا تعزیرات حکومتی و... براساس مصالح و مفاسدی که حاکم و ولی فقیه تشخیص می‌دهد از مجازات اعدام برای جلوگیری و مبارزه با مواد مخدر بهره جست؛ اما باید توجه داشت که در هر صورت تعیین مجازات اعدام برای مرتکبین این جرائم در صورتی ممکن است که اطلاق مفسد فی الارض یا عناوین مشابه بر وی امکان داشته باشد و در واقع عنصر مادی و معنوی این جرم محقق شود. متأسفانه قانونگذار ایرانی برای تعیین مجازات اعدام در موارد بسیاری، صرفاً به «مقدار مواد جابه‌جا شده» توجه داشته نه قصد مجرم و عنصر معنوی جرم انجام شده. به عنوان مثال ماده 4 و بند 5 قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن که در آبان‌ماه 1376 به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است می‌گوید:

«هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: ... بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.»

عمده آسیب این قانون آن است که خرده فروشان مواد مخدر با 30 گرم هروئین زیر تیغ اعدام رفتند اما سرکرده باند پشت آنها پنهان شده و به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

البته ناگفته نماند اگرچه بر اساس موادی از قانون فعلی مبارزه با مواد مخدر در برخی از موارد برای افراد مرتبط با ارتکاب به جرم مواد مخدر مجازات «اعدام» در نظر گرفته شده است اما در آئین نامه‌ای که اخیراً با عنوان «قانون آئین دادرسی کیفری» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و از اول تیرماه 1394 لازم الاجرا شده است، اعدام با نظر حداقل سه قاضی و تأیید دیوان عالی کشور قابل اجرا است که این خود می‌تواند گامی در کاهش موارد اعدام و تطبیق موارد آن با افساد فی الارض فقهی باشد. ضمن اینکه برخی نمایندگان مجلس معتقدند که مجازات اعدام باید از قانون مبارزه با مواد مخدر حذف و یا کاهش یابد.

هر آن که گذرش به زندان افتاده باشد می‌داند آرزوی زندانی یعنی دمی بیرون رفتن از چهاردیواری محتومی که ممکن است سال‌ها یا تا ابد، خانه زندانی باشد. بنابراین مجازات زندان و از دست‌دادن آزادی، مجازات کمی نیست و گاهی دردآورتر از حتی مرگ است. این‌روزها بحث ماندگاری در زندان به جای اعدام برای قاچاقچیان درحالی مطرح می‌شود که آمار اعدام در ایران بالاست و بخش اعظم این اعدام‌ها نیز مربوط به قاچاقچیان مواد مخدر است.

جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان یکی از معضلات جامعه جهانی و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه است. اهمیت این موضوع زمانی افزایش می‌یابد که به این نکته توجه داشته باشیم که کشور ما، همجوار کشوری است که تولیدکننده انبوه این مواد است.

در این میان، راه‌های مختلفی برای مبارزه با جرائم مربوط به این مواد مورد توجه قانون‌گذاران تمامی کشورهای جهان قرار گرفته است که سنگین‌ترین آن‌ها، مجازات اعدام است. این مجازات که از سوی برخی کشورها برای مبارزه با جرائم یادشده تعیین شده است، از سوی قانون‌گذار ایران نیز مورد تأیید واقع شده است.

با توجه به سیر تاریخی قانون‌گذاری در این زمینه، معلوم می‌شود که از همان اوان پیدایش این مجازات برای جرائم یادشده، مخالفت‌ها و موافقت‌ها در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند که این موضوع تا کنون نیز ادامه داشته است.

لازم به ذکر است که بیشتر مباحث در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش مجازات اعدام در این زمینه، معطوف به کمیت و کیفیت بازدارندگی و قدرت پیش‌گیرندگی آن است. همچنین در نظام حقوقی ما که یک نظام مبتنی بر شریعت اسلامی است، بحث از فقهی یا غیرفقهی بودن این مجازات در خصوص جرائم مواد مخدر و روان‌گردان نیز مطرح است.



تحقیق حاضر، با تکیه بر نظریه‌های حقوقی، سیر تاریخی مجازات اعدام به‌طور کلی، طرح استدلال موافقان و مخالفان مجازات اعدام و... نشان می‌دهد که نه تنها وجود یا عدم این مجازات در یک سیستم حقوقی، به مسائل و مقتضیات گوناگونی بستگی دارد که از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر قابل تغییر است، بلکه درخصوص بازدارندگی این مجازات هم به‌طور کلی و مطلق نمی‌توان اتخاذ موضع کرد. در نتیجه، برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب در تحقیق حاضر، باید این مجازات را در سیاق<sup>۱</sup> خاص جرائم مواد مخدر و روان‌گردان سنجید.

از سوی دیگر، از آنجا که اگر ثابت می‌شد، مجازات اعدام در جرائم یاد شده در زمره مجازات‌هایی است که از سوی شرع معین شده و به تعبیر دیگر از تعزیرات شرعی محسوب می‌شود، بحث بر سر بازدارندگی آن در نظام حقوقی ما بیهوده می‌شد؛ زیرا در این صورت، بر فرض ثابت شدن عدم بازدارندگی اعدام در این جرائم، موضوع وجود حکمت در احکام الهی و امور خفیه، مانع بحث بر سر اصلاح اعمال این مجازات می‌شد.

تحقیق حاضر نشان می‌دهد از آنجا که افساد فی الارض و محاربه، دو جرم جداگانه محسوب نمی‌شوند، مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان را نمی‌توان از تعزیرات شرعی شمرد و بر آن اساس، می‌توان آن را در مواردی تعدیل کرد و یا حداقل شرایطی را ایجاد نمود که این مجازات، از بازدارندگی لازم برخوردار شود.

از آنجا که با مطالب اراده شده، بحث بر سر بازدارندگی مجازات اعدام در جرائم مزبور گشوده شد، در ادامه به بازدارندگی این مجازات در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان به‌خصوص در دستگاه قضایی ایران پرداخته شد.

نتیجه این بررسی، این است که مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان با شیوه‌ای که اکنون در حال اجرا است، از بازدارندگی<sup>۲</sup> لازم برخوردار نبوده و از آنجا که این مورد (وجود مجازات اعدام در جرائم یاد شده)، به وضوح در چشم قضا و دستگاه قضا ناعادلانه جلوه کرده و سودی در آن دیده نشده است، سیاست جنایی قضایی ایران، همیشه از هر راهی که امکان تعدیل این موضوع وجود داشته، وارد عمل شده تا سیاست جنایی تقنینی را در این خصوص با واقعیات اجتماعی وفق دهد.

لازم به توضیح است که یکی از مهم‌ترین دلایل عدم بازدارندگی مجازات یاد شده، این است که این مجازات در محیط زندان و دور از ابعاد عمومی و مردم صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، در مواردی که قانون‌گذار، قصد اعمال این مجازات را دارد، باید حداقل آن را به‌گونه‌ای عملی کرد که بازدارنده باشد، نه این‌که فقط به حذف مجرم همت گماشت و این امر میسر نمی‌شود، مگر این‌که اعمال مجازات یاد شده در مکانی برگزار شود که چشم عبرت‌بینی نیز در آنجا وجود دارد.

رویکرد جدید قانون‌گذار نیز به‌طور کلی، مؤید نتیجه حاصل از این تحقیق است، بدین ترتیب که، قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 شمسی، که در ماده 19، مجازات‌های تعزیری را مورد شمارش قرار داده و آن‌ها را به 8 درجه تقسیم نموده است، نامی از مجازات اعدام نمی‌آورد و سنگین‌ترین مجازات آن که به‌عنوان درجه 1 شناخته می‌شود، حبس بیش از 25 سال، جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال، مصادره کل اموال و انحلال شخص حقوقی است. بدین ترتیب، به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار نیز در شیوه کنونی اجرای اعدام، سودی ندیده است و به‌دنبال بازسازی و تعدیل این مجازات است.

بنابراین، به‌نظر می‌رسد، از یک‌سو، مجازات اعدام با شیوه اجرای کنونی آن، در خصوص جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان از بازدارندگی لازم برخوردار نیست.

بدین ترتیب، از آنجا که محقق، خود نیز موافق حذف مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان به‌طور کلی است، از یک‌سو، در جهت بازدارنده کردن مجازات اعدام در این جرائم (از طریق روش‌هایی که بازدارندگی را افزایش می‌دهد) کوشید و از سوی دیگر، تا حدی که نظام حقوقی کشور و شرع مقدس اجازه می‌دهد، مجازات‌های دیگری را به‌عنوان جایگزین (از جمله

<sup>1</sup>. Context

<sup>2</sup>. لازم به توضیح است که با توجه به تفکیک بازدارندگی از کارآمدی، به‌نظر می‌رسد مجازات اعدام در جرائم مورد بحث، از کارآمدی لازم برخوردار است، اما این مجازات اکنون از بازدارندگی در این جرائم برخوردار نیست.

حبس‌های سنگین مندرج در ماده 19 قانون مجازات اسلامی، منع اقامت در یک محل معین یا اجبار به اقامت در یک محل معین و منع اشتغال به برخی مشاغل) پرداخت جزای نقدی در نظر گرفت.

از سوی دیگر، با نگاهی به قانون مبارزه با جرائم مواد مخدر و روان‌گردان، معلوم می‌شود که این قانون، بیش از توجه به اقدامات پیشگیرانه، به اقدامات سرکوب‌گرایانه توجه داشته است. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که در اصلاحات بعدی این قانون باید به اقدامات پیشگیرانه، توجه بیشتری مبذول شود.

با توجه به مطالب ارائه شده در نهایت می‌توان گفت:

- افزایش جرمه و حبس ابد از مؤثرترین مجازات‌های جایگزین اعدام قاچاقچیان مواد مخدر است.
- رویکرد غالب سیاست جنایی در خصوص جرائم مواد مخدر در آرای تجدیدنظر مواد مخدر، استفاده از تدابیر سرکوب‌گرانه است.
- این بازنگری در سالم‌سازی جامعه نقش مهمی ایفاء خواهد کرد.
- مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر، از بازدارندگی لازم برخوردار نیست.
- مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر، از مجازات‌های شرعی محسوب نمی‌شود، امکان حذف آن در خصوص این جرائم وجود دارد.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم

- اکبری، عباسعلی (1397)،؛ بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال 1389 قانون مبارزه با مواد مخدر، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره 2
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (1390)، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش
- ذبحی، حسین (1392)، شرح و بررسی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، تهران، انتشارات قوه قضائیه
- ذبحی، حسین (1397)، شرح و بررسی ماده 45 الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب 1396، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه
- سلیمی، صادق و بخشی زاده اهری، امین (1392)، تحلیل ماده به ماده قانون آئین دادرسی کیفری 1392 در مقایسه با قوانین سابق، تهران، انتشارات جاودانه
- سلیمی، صادق (1391)، جنایت سازمان یافته فراملی، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ دوم
- ساکي، محمدرضا و کونانی، سلمان (1397)، بایدها و نبایدهای حذف مجازات اعدام از جرایم مواد مخدر فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، دوره 24، شماره 87
- شمس ناتری، محمد ابراهیم (1388)، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
- صلحچی، محمدعلی و نصیری، شهریار (1397)، مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران بر اساس موازین حقوق بین الملل بشر؛ حذف یا ابقاء، مجله حقوقی بین المللی، شماره 59
- طارمی، محمدحسین (1386)، کاوشی نو در مجازات اعدام، فصلنامه معرفت، سال یازدهم، شماره 119
- طاهری، طه (1393)، قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، قابل دسترسی <http://www.irna.ir/fa/News/81430916>
- طباطبایی، محمدحسین (1388)، میزان فی تفسیر القرآن، جلد 2، قم، انتشارات اسماعیلیان
- عرفانی، ابراهیم و مصطفایی، نادر (1397)، تعامل رسانه‌ها با سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مواد مخدر، فصلنامه علمی- حقوقی قانون یار، دوره دوم، شماره 8
- قهرمانی افشار، نیوشا و علیزاده قلیلو، سعید (1394)، بررسی جرایم سازمان یافته با تأکید بر قاچاق مواد مخدر و راهکارهای پیشگیرانه آن، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، دوره دوم، شماره 7

کاظمی، مسعود (1394)، تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرائم مواد مخدر و روان گردان، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، سال اول، شماره 4

کاتوزیان، ناصر (1389)، فلسفه حقوق، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار

گلدوزیان، ایرج (1395)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد

محقق حلی (1416ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام (محشی حسینی شیرازی)، قم، انتشارات اسماعیلیان

مرتضوی، سعید (1397)، قاچاق مواد مخدر و روان گردان (سیاست جنایی ایران و فرانسه با اشاره به اسناد بین المللی)، تهران، انتشارات مجد

مهرپور، حسین (1389)، سرگذشت تعزیرات، مجله کانون کلاء، شماره 30

میرمحمد صادقی، حسین (1392)، حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان

ولیدی، محمد صالح (1396)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات مجد

هاشمی شاهرودی، سید محمود (1388)، بایسته های فقه جزا، تهران، نشر میزان

Griffith Edwards et al. (2009). Drug trafficking: time to abolish the death penalty, Journal compilation, Society for the Study of Addiction.

Ying yos Leechaianan & Dennis R. Longmire. (2013). The Use of the Death Penalty for Drug Trafficking in the United States, Singapore, Malaysia, Indonesia and Thailand: A Comparative Legal Analysis, in: The Death Penalty in the 21st Century, College of Criminal Justice, Sam Houston State University, Huntsville.

United Nations Convention Against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances (1990), Entered into force on November 11

Thereto, Palermo (2000). United Nations Convention Against Transnational Organizaed Crime and the Protocols. Article 1